



تکلیف اروپا با کودکان داعش چیست؟

چارلوت مکدونالدگیبسون . ترجمه: فرهاد مرادی

کودکانی که در قلمروی داعش زندگی می‌کنند از چهارسالگی به مدرسه می‌روند، جایی که در معرض یک برنامه آموزشی وحشیانه قرار می‌گیرند. «در کتاب‌های ریاضی برای شمارش اعداد از تصویرهای پرتقال و سیب استفاده می‌شود، درعین حال که در همان صفحه تصاویر تانک و تفنگ نیز وجود دارد». اینها اظهارات نیکیتا مالک، پژوهشگر ارشد اتاق فکر هنری جکسون، است که روی مفاد برنامه‌های آموزشی داعش مطالعه می‌کند: «مقطع فارغ‌التحصیل شدن این کودکان – خاصه برای پسرها– بستگی به میزان توانایی‌شان در وقف پیداکردن با خشونت دارد. مواردی مثل توانایی تماشاکردن حلق‌آویزشدن قربانی‌ها، اعدام در ملاعام و تماشای مراسم شلاق‌زدن؛ به‌عنوان مثال کودکی که قرار است فارغ‌التحصیل شود، می‌بایست تازیانه‌خوردن یک فرد را تماشا کند و پس از آن تعداد صحیح ضربه‌های تازیانه را بداند». ۹۰سالگی سن اتمام مدرسه دخترهاست؛ یعنی زمانی که آماده ازدواج‌کردن می‌شوند. پسرها در همین سن آموزش‌های نظامی را آغاز می‌کنند، اگرچه پیش از ۹سالگی نیز برای ساختن ویدئوهای تبلیغاتی از آنها استفاده می‌شود. یکی از ویدئوهای دستگاه تبلیغاتی داعش، پسرچهای تقریباً چهارساله را نشان می‌دهد که دارد به‌سوی یکی از زندانی‌های آویزان‌شده در گودال بازی کودکان شلیک می‌کند. جان کزپلن، روان‌شناس آلمانی – کرد، تجربه‌ای دست‌اول از تخریب‌های ناشی از نظام تعلیم و تربیت داعش دارد. او مسئولیت درمان و هیج‌چیز آن اعتمادی نداشت.

۹سالگی سن اتمام مدرسه دخترهاست؛ یعنی زمانی که آماده ازدواج‌کردن می‌شوند. پسرها در همین سن آموزش‌های نظامی را آغاز می‌کنند، اگرچه پیش از ۹سالگی نیز برای ساختن ویدئوهای تبلیغاتی از آنها استفاده می‌شود. یکی از ویدئوهای دستگاه تبلیغاتی داعش، پسرچهای تقریباً چهارساله را نشان می‌دهد که دارد به‌سوی یکی از زندانی‌های آویزان‌شده در گودال بازی کودکان شلیک می‌کند

کودک – سربازهای عراقی و پسرهای کُرد ایزدی را برعهده دارد؛ کسانی که پس از سربرازی‌کردن برای داعش به آلمان پناهنده شده‌اند. این کودکان شاهد تجاوز، شکنجه و قتل بوده‌اند. آنها در برخی موارد حتی مجبور می‌شده‌ات تا مجری این قساوت‌ها باشند. کزپلن می‌گوید: «میل به تجاوز و حمله‌کردن تنها یکی از مشکلات اساسی آنهاست. علاوه بر این کابوس، اختلال خواب، عدم تمرکز و شاید مشکلات عصبی نیز داشته باشند. این کودکان به‌گونه‌ای آموزش دیده‌اند تا از پایین‌ترین سطح همدلی برخوردار باشند». دکتر کزپلن بر این باور است که بازگشت این گروه از کودکان به زندگی عادی دست‌کم به دو سال مداخله هرروزه مددکارهای اجتماعی، روان‌کاوا، معلم‌ها و دیگر متخصص‌ها نیاز دارد: «این کودکان محتاج امنیت هستند، آنها به ثبات و راهنمایی شدن احتیاج دارند».

با وجود این، نگرانی غالب حکومت‌ها تأمین امنیت این‌ گروه از کودکان نیست، بلکه دغدغه آنها تأمین امنیت دولت است. آن دسته از شهروندهای فرانسوی و بلژیکی که مدتی را با داعش سپری کرده‌اند، حمله‌های تروریستی را با خودشان به داخل هر دو کشور می‌آوردند و به‌خاطر وجود نشانه‌هایی دال بر کاشتن تخم وحشت از سوی جنگجویان سابق، قدرت‌های مستقر تمرکزشان را معطوف به رصدکردن با عودت‌دادن، آنها کرده‌اند، یعنی به‌راحتی مسائل این کودکان محروق را در اولویت قرار نمی‌دهند. حکومت‌ها برای خروج شهروندهای‌شان از منطقه جنگی هیچ

مرگ ۷ هزار نفر در یک سال

استفاده می‌کردند. پژوهش یادشده می‌گوید علاوه بر حملاتی که به صورت مستقیم زیر نظر داعش در عراق و سوریه انجام شده، گروه‌های وابسته به این تشکل بیش از ۹۵۰ حمله را در سایر نقاط جهان ترتیب دادند که در اثر آن حدود سه هزار نفر کشته شدند. در سال ۲۰۱۶ چهار گروه با داعش بیعت کردند؛ این گروه‌ها بیشتر در بنگلدش، یمن، لیبی و مناطق محدودی در مرزهای افغانستان– پاکستان و فیلیپین بودند و تعداد زیادی را کشتند. حملات این گروه‌ها نسبت به گذشته افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. یک مقام وزارت خارجه آمریکا می‌گوید اکثر گروه‌های وابسته به داعش پیش از پیوستن به این گروه نیز حملاتی صورت داده بودند، اما به گفته این فرد که نتواست نامش فاش شود، «داعش توانست این گروه‌ها را به بازی گرفته و بر آنها مسلط شود». داعش فراخوان‌های بسیاری داد تا پیروانش به صورت فردی در هرجایی که هستند دست به حملات تروریستی بزنند. در سال‌های گذشته این افراد در اوراندو، فلوریدا، سن‌برناردینو، کالیفرنیا، لندن، منچستر و نیس فرانسه دست به انجام حملات تروریستی زدند. «ارین میلر»، تهیه‌کننده این‌ پژوهش، می‌گوید: «در این دوره ما شاهد افزایش حملات فردی

جهان

ادامه از صفحه ۹

انزویا بین‌المللی ترامپ

او تأکید کرد «ما از تعهد ایالات متحده قدردانی می‌کنیم؛ در گفت‌وگوی تلفنی با جیمز متیس توافق کردیم که باوجود چالش‌های موجود باید شرایط افغانستان را حفظ کنیم، دموکراسی در این کشور را کسترش دهیم و تهدید تروریسم علیه غرب را کاهش دهیم.»

این‌طور به نظر می‌رسد که لندن از سوی کاخ سفید درخواستی رسمی مبنی‌بر حمایت نظامی بیشتر از نیروهای آمریکایی در افغانستان دریافت نکرده است، همچنین استرالیا، دیگر متحد آمریکا در آن‌سوی جهان، نیز به نظر می‌رسد که میلی به همسویی با سیاست‌های جدید آمریکا ندارد. «کریستوفر پاین»، وزیر صنایع دفاعی استرالیا، در زمینه راهبرد نوین رئیس‌جمهوری آمریکا در مورد افغانستان، می‌گوید که دولت فدرال استرالیا در مورد مشارکت بیشتر در افغانستان شتابزده تصمیم نمی‌گیرد و از درخواست آمریکا برای کمک بیشتر در مبارزه با طالبان نیز مطلع نیست.

او به شبکه ای‌بی‌سی استرالیا گفت: تصمیم شتاب‌زده‌ای در

مورد افزایش مشارکت استرالیا در افغانستان نخواهیم گرفت. ما سهم قابل‌توجهی در این زمینه داشته‌ایم. «ماریس پاین»، وزیر دفاع استرالیا، نیز گفت که دولت «مالکوم ترنول»، نخست‌وزیر کنشورش، ۳۰ نیرو به تعداد نیروهای نظامی استرالیا در افغانستان افزوده و اکنون این نیروها به ۳۰۰ نفر افزایش یافته است، او اضافه کرد، ما اعلام کرده بودیم میزان نیروهای خود را تا ۳۰ نفر افزایش می‌دهیم و این افراد اکنون در فعالیت‌های آموزشی در افغانستان نقش دارند. از طرف

دیگر، نخست‌وزیر اسبق نیوزیلند پس از اعلام راهبرد جدید ترامپ، اعلام کرد نیروهای نظامی بیش از اندازه در افغانستان مانده‌اند و این نیروها خیلی زودتر از زمانی که از افغانستان خارج شدند، باید این کشور را ترک می‌کردند. «هلن کلارک» که این سمت را تا سال ۲۰۰۸ در اختیار داشت، افزود: این احتمال وجود نداشت تا دولت حزب کارگر که باز دیگر انتخاب شده بود، اعزام تیم بازسازی استانی (نیروهای نظامی اعزامی به افغانستان به بهانه بازسازی) را ادامه دهد. در ابتدا قرار بود این گروه در یک مأموریت ۱۲ ماهه برای طالبان حضور داشته باشند، اما این گروه بیش از یک دهه در افغانستان کشته‌شدن پنج نظامی نیوزیلندی در دو حمله مجبور به عقب‌نشینی از بخش‌های خطرناکی از استان

«امیان» شدند. پس از این حادثه، پارلمان نیوزیلند تصمیماتی برای خروج نیروهای خود از «امیان» گرفت، اما موفق به اجرائی‌کردن آنها نشد تا اینکه در نهایت با روی‌کارآمدن حزب کارگر در این کشور، خروج تدریجی نیروهای نیوزیلند از افغانستان در دستور کار قرار گرفت و نیروهای نیوزیلندی در آوریل سال ۲۰۱۳ از بامیان خارج شدند. به نظر می‌رسد اظهارات نخست‌وزیر پیشین نیوزیلند، به‌گونه‌ای موضع‌گیری مقامات این کشور در قبال اظهارات اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا باشد که قرار است برخلاف وعده‌های انتخاباتی خود، عملیات نظامی علیه طالبان را تشدید کند. این سخنان نشان می‌دهد نیوزیلند تمایلی برای همراهی با آمریکا ندارد و پیش‌بینی می‌شود ترامپ سیاست سازمان‌یافته‌کناسی را برای انجام حملات در کشورهای افغانستان را بدون نیروهای نیوزیلندی پیش ببرد. ادامه انتقادها به راهبرد جدید کاخ سفید برای افزایش نیروهای آمریکایی در افغانستان و همسوتنن متحدان دیگر ایالات متحده در این زمینه، یادآور انتقادها و انزویا سیاسی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در تصمیماتی همچون خروج از توافق بین‌المللی آب‌وهوایی و سیاست‌هایی مبنی‌بر کاهش حمایت‌های مالی از ناتو و دیگر سازمان‌های جهانی است؛ روندی که آمریکا را بیش از پیش در انزویا سیاسی فرومی‌برد.

سال چهاردهم • شماره ۲۹۴۷ • روزنامه شوق

نگاه

همه‌پرسی در اقلیم کردستان: مسئله یا راه‌حل؟

دنیس ناتال . کارشناس علوم سیاسی

همه‌پرسی درباره استقلال کردستان عراق، انعکاسی از اختلافات حل‌نشده سیاسی بغداد و اربیل است. در این میان آنچه آتش «حق تعیین سرنوشت» و «احساسات ملی‌گرایي کردی» را تند کرده، کمپین مبارزه با داعش است، حتی اگر نتیجه همه‌پرسی الزام‌آور نباشد، دولت اقلیم کردستان تلاش خواهد کرد تا از نتیجه این انتخابات به‌عنوان ابزاری برای تحت‌فشارگذاشتن دولت مرکزی عراق استفاده کند.

یکی از اولویت‌های سیاست‌مداران اقلیم کردستان، تثبیت دستاوردهای سرزمینی و افزایش نفوذ اربیل، به‌ویژه در مناطق مورد مناقشه‌ای چون کرکوک و نینوا خواهد بود. چنین اقدامی نیازمند این است که اربیل بتواند گروه‌ها و طیف‌های مختلف، اعم از کرد و غیرکرد را در اقلیم کردستان قانع کند که آینده‌شان تحت حاکمیت اربیل – نه بغداد– تأمین خواهد شد، اما مسئله اینجاست که نه‌تنها اربیل و بغداد، بلکه گروه‌ها و جناح‌های مختلف کرد نیز بر سر برگزاری چنین همه‌پرسی‌ای اختلاف دارند. نخستین مسئله این است که منافع کردها از دولت مرکزی عراق چیست و دومین مسئله نیز درباره رقابت جناح‌های مختلف کردی بر سر قدرت، درآمد و منایع است.

رقابت‌های درون‌کردی از زمان آغاز کمپین مبارزه با داعش آغاز شد؛ زمانی که حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و حامیانش در کنار سایر گروه‌های کرد در عراق حاکمیت حزب دموکراتیک به رهبری مسعود بارزانی را به چالش کشیدند. به همین دلیل مهم‌ترین مسئله پساقرانندوم این نیست که «آیا رای بله می‌تواند مرزهای رسمی عراق را جابه‌جا کند یا خیر»، بلکه پرداختن به این پرسش است که «آیا رقابت احزاب کرد برای ارتباطات سیاسی می‌تواند مناقشه میان کردها یا دیگر گروه‌های فرعی را بدتر کند».

بیشتر ناظران سیاسی از جمله مقام‌های کرد می‌دانند که همه‌پرسی منجر به استقلال کردستان نخواهد شد. با وجود لابی‌های گسترده در واشنگتن و اروپا، دولت اقلیم کردستان نتوانسته‌بازنگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در این مسیر با خود همراه کرده و نظر مساعد آنان را برای برگزاری همه‌پرسی جلب کند.

شاید دولت‌ها و نهادهای رسمی حق تعیین سرنوشت کردها را مانند سایر استان‌ک کرده زمین به رسمیت بشناسند و بپذیرند که پیشمرگه‌های کرد در مبارزه با داعش نقش کلیدی و مهمی داشته‌اند، اما اغلب آنان به تمایت ارضی و حاکمیت ملی عراق متعهد هستند. حتی کنگره آمریکا که در لابی کردها نفوذ چشمگیری دارد، ادامه کمک‌های نظامی آمریکا به پیشمرگه‌های کرد را به باقی‌ماندن دولت اقلیم کردستان به‌عنوان بخشی از دولت مرکزی عراق منوط کرده است.

یک همه‌پرسی یک‌جانبه بدون حمایت عراق و جامعه جهانی، بعید است که بتواند وضع موجود عراق را تغییر دهد. حتی اگر دولت اقلیم کردستان در این همه‌پرسی رای اکثریت «آری» را به دست آورد، بعید است که بتواند با استفاده از آن منابع مالی خود را از بغداد افزایش دهد یا امتیازات حقوقی بیشتری به دست آورد. در غیاب مذاکرات مورد تأیید پارلمان عراق برای حل اختلافات اربیل و بغداد، مشکلات امروز از جمله مسئله سهم اقلیم کردستان از منابع نفتی عراق و سایر اختلافات به قوت خود باقی خواهند ماند.

این همه‌پرسی در جغرافیای سیاسی منطقه هم تغییری ایجاد نخواهد کرد، چراکه کردستان عراق همچنان محصور بوده و برای صادرات نفت خود به ترکیه وابسته خواهد ماند. در حقیقت بدون حمایت‌های کافی بغداد، آنسکارا و گروه‌های عربی، همه‌پرسی در اقلیم کردستان تنها خطرات سیاسی صادرات نفت خام به ترکیه از کرکوک و مناطق تحت کنترل اقلیم کردستان را عمیق‌تر می‌کند. این مسئله تا توجه به کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی و وابستگی شدید اربیل به درآمدهای نفتی‌اش مهم‌تر هم می‌شود. بنا بر اعلام مقام‌های عراقی، حداقل بیش از نیمی از ۶۰۰ هزار بشکه نفت روزانه اقلیم کردستان از طریق کرکوک به ترکیه می‌رود. درآمدهای حاصل از فروش این نفت جایگزین درآمدهایی شده که قرار بوده بغداد هرساله از محل فروش منابع نفتی عراق به اقلیم کردستان پرداخت کند. بغداد این منابع مالی را در سال ۲۰۱۴ متوقف کرد و احتمال دارد که توافق‌های انجام‌شده دراین‌باره در ماه آینده، بازنگری شوند.

از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که توسعه قلمرو اقلیم کردستان در نهایت از قدرت اهرم فشار کردها بر بغداد بکاهد. حداقل اینکه رای «آری» در همه‌پرسی فشارهای مالی و هزینه‌های حکومت‌داری را برای اقلیم کردستان بالا خواهد برد. سه سال پس از اینکه اربیل صادرات نفت را (به‌طور مستقل) آغاز کرده هنوز نمی‌تواند به‌دلیل مشکلات زیاد مالی حقوق کارکنان خود را بپردازد یا خدمات رفاهی را برای ساکنان سه شهر اصلی منطقه فراهم کند. بدون منابع مالی قابل اعتماد، اداره‌کردن باقی مناطق مورد مناقشه به نفع این دومیلیون جمعیت (نینوا، کرکوک و دیاله) کار بسیار دشواری است.

همه‌پرسی همچنین نشان‌دهنده رقابت برای کسب قدرت سیاسی در اقلیم کردستان است. برهمن‌اساس زمان‌بندی آن بسیار مهم است. آغاز صحبت‌ها درباره برگزاری همه‌پرسی با افزایش انتقادها از مسعود بارزانی همراه بود. حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی شاید اکثریت را داشته باشد، اما گروه‌های دیگر از جمله یادآور انتقادها و انزویا سیاسی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در تصمیماتی همچون خروج از توافق بین‌المللی آب‌وهوایی و سیاست‌هایی مبنی‌بر کاهش حمایت‌های مالی از ناتو و دیگر سازمان‌های جهانی است؛ مواردی که آمریکا را بیش از پیش در انزویا سیاسی فرومی‌برد.

با نگاهی به واقعیت‌های موجود، تلاش‌های ایالات متحده و جامعه جهانی می‌تواند تا حدی آتش اختلافات میان بغداد و اربیل و جنگ قدرت در اقلیم کردستان را کم کند، امری که با توجه به شرایط امروز منطقه و عراق ضروری است و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

منبع: رویترز عربی